

## نقش میر مهنا در تحولات امنیتی خلیج فارس (با تأکید بر اخراج هلندی‌ها)

محمد آزع<sup>1</sup>، مهدی ساجدی مهر<sup>2</sup>، علیرضا گزمه<sup>3</sup>، صالح مرتضایی<sup>4</sup>

تاریخ دریافت: 1394/10/12

تاریخ پذیرش: 1394/11/15

از صفحه 99 تا 122

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی

سال سوم، شماره هشتم، بهار 1395

### چکیده

در طول تاریخ خلیج فارس همواره به‌عنوان یک آبراه مهم و استراتژیک و منطقه‌ای ژئوپلیتیک مطرح بوده است. همین ویژگی‌ها باعث شده تا این آبراه مهم، مورد طمع و تجاوز گروه‌های مختلفی از بیرون قرار گیرد. در دوران زندیه و بخصوص دوره کریم‌خان زند نیز کشورهای مختلف اروپایی که از مدت‌ها پیش وارد خلیج فارس شده بودند، اهداف استعماری خود را در این منطقه مهم دنبال می‌کردند. هلندی‌ها در سال 1168 ه.ق / 1754 م وارد جزیره خارک شدند. نمایندگان کمپانی هند شرقی هلند (واک)، در طول مدت حضورشان در این جزیره به ایجاد روابط اقتصادی و سیاسی با کریم‌خان زند و دیگر امرای محلی پرداختند، ضمن آنکه در این مدت با گروه‌های مختلفی چون انگلیسی‌ها، آل زعاب در بندر ریگ و گروه‌های قبیله‌ای دیگر درگیر مسائل مختلف شدند. در این پژوهش که با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است، به بررسی مسائلی که موجب چالش میان کریم‌خان زند و میر مهنا، همچنان کشمکش میان میر مهنا و کمپانی هند شرقی هلند گردید و نقش میر مهنا در سرکوبی کمپانی هلندی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، هلندی‌ها در درگیری که با میر مهنا امیر بندر ریگی بر سر خراج سال‌های حضورشان در جزیره خارک داشتند شکست خوردند و در نخستین روز از سال 1766 م بعد از فعالیت تجاری 140 ساله در خلیج فارس برای همیشه از این آبراه مهم اخراج شدند.

### کلید واژه‌ها

خلیج فارس، کریم‌خان زند، میر مهنا، کمپانی هند شرقی هلند(واک)، ناوگان دریایی.

1- دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه اصفهان azaghmohammad@yahoo.com

2- دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه اصفهان msajedi21@gmail.com

3- کارشناس ارشد مدیریت و فرماندهی shab57280@gmail.com

4- کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر s.amortzaei@gmail.com

## مقدمه

سرزمین ایران در طول تاریخ، شاهد هجوم و حضور بیگانگانی بیرون از خاک اصلی خود بوده است. یکی از مهم‌ترین علل این امر را باید موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران دانست که باعث شده تا همسایگان دور و نزدیک به فکر توسعه‌طلبی ارضی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیفتند که متأسفانه بارها در طول تاریخ این اندیشه و تفکر بیگانگان عملی شده است. هرچند شکل و ساختار این نفوذ در دوره‌های مختلف متفاوت بوده و زمانی باعث حضور ویرانگر اسکندر مقدونی، زمانی بانفوذ و ظهور دین مبین و کامل اسلام، گاهی با ظهور و هجوم وحشیانه و خانمان‌سوز مغولان و تیمور و زمانی نیز با حضور استعمارگرایانه کشورهای اروپایی عجین شده است. یکی از این کشورهای استعماری هلند بوده است که البته در این پژوهش هر جا سخن از هلندی‌ها به میان می‌آید منظور کمپانی هند شرقی هلند می‌باشد که به‌عنوان نماینده دولت هلند در شرق و خلیج فارس به فعالیت‌های تجاری و البته استعماری خود مشغول بوده است. موقعیت و ویژگی‌های خاص خلیج فارس باعث شده تا هلند و دیگر کشورهای اروپایی برای تحقق خواسته‌های استعماری خود این آبراه مهم و جزایر و بنادر آن را به‌عنوان پایگاه فعالیت‌های تجاری خود انتخاب کنند. در سال 1033 ه.ق / 1623 م به دنبال تصرف جزیره هرمز از طرف نیروهای ایرانی، شرکت هند شرقی هلند که قریب 20 سال در شبه‌قاره هند و خاور دور فعالیت می‌کرد به فکر توسعه فعالیت خود در خلیج فارس افتاد و در بهار همین سال نماینده‌ای به نام «ویس نیخ» را با یک کشتی تجاری از طریق جزیره قشم و بندرعباس نزد شاه‌عباس صفوی فرستاد و با بستن یک قرارداد با شاه‌عباس فعالیت تجاری خود را آغاز کردند. هلندی‌ها به فعالیت تجاری خود در خلیج فارس ادامه دادند و تجارت پررونقی را با ایران داشتند. ولی از اوایل قرن هیجدهم میلادی بود که موقعیت و قدرت هلندی‌ها رو به کاهش گذاشت و رفته‌رفته توانایی آن‌ها در حفظ مستعمرات خارجی کاهش یافت. باوجود فراز و نشیب‌هایی که در روابط بین ایران و هلند به وجود آمد، سرانجام هلندی‌ها در سال 1766 م، بعد از فعالیت‌های تجاری 140 ساله توسط میر مهنای بندر ریگی برای همیشه از خلیج فارس اخراج شدند. در این پژوهش فرض بر آن است که اقدامات میر مهنای نقش شامخی در اخراج هلندی‌ها از این آبراه مهم بین‌المللی داشته است و لذا این پژوهش بر آن است تا به تبیین جایگاه

میر مهنا در تحولات امنیتی خلیج فارس و نقش مهم آن در اخراج هلندی‌ها از خلیج فارس بپردازد.

### کنیپ هاوزن نماینده کمپانی هند شرقی هلند در خلیج فارس

هلندی‌ها بعد از خروج از بصره جزیره خارک را به‌عنوان پایگاه تجارتي خود در خلیج فارس انتخاب کردند و در سال 1168 ه.ق / 1754 م وارد جزیره خارک شدند. شیخ ناصر حاکم بوشهر که از این اقدام هلندی‌ها ناراضی بود طی نامه‌ای به فرماندار بصره، وی را در جریان تصمیم کمپانی هلند به استقرار در خارک قرار داد. هدف وی این بود که فرماندار بصره با دعوت مجدد از هلندی‌ها به بصره آنان را از استقرار در خارک که به سود میر ناصر تمام می‌شد منصرف کند (دانا فرد، 1388: 69). بارون کنیپ هاوزن<sup>1</sup> نماینده هلند با استفاده از کشتی‌های هلندی دهانه شط‌العرب را بست و کشتی‌ها را متوقف ساخت. حاکم بصره تحت فشار پاشای بغداد عمده اموال هلندی‌ها را به آنان بازگردانید و اجازه بازگشت هلندی‌ها را به بندر بصره صادر کرد، اما کنیپ هاوزن پیشنهاد وی را رد کرد (وٹوقی، 1384: 353). با تأیید این محل از سوی فرماندار کل باتاویا<sup>2</sup>، چند کشتی پر از کالا و مواد ساختمانی برای تأسیس یک قلعه در خارک، به آنجا فرستاده شد. چند ماه بعد دو کشتی دیگر از باتاویا - جاکارتا وارد خارک شد که پر از اسلحه و مواد غذایی و کالاهای تجاری بودند (القاسمی، 1387: 57). این امر سبب شد بازرگانان ایرانی و ارمنی به خارک توجه کنند و در آنجا مستقر شوند. عملیات انتقال تجارت‌خانه هلند از بصره به خارک آغاز شد و میر مهنا، جوان‌ترین پسر میر ناصر، در جزیره از کنیپ هاوزن استقبال کرد و اطلاع داد که پدرش به دلیل بیماری قادر به حضور نشده است. کنیپ هاوزن هم با یک قایق محلی به بندر ریگ رفت و انعام‌هایش را به میر ناصر تقدیم کرد و در جلسه‌ای مشترک با حضور طرفین طرح حمله به بصره و بازپس‌گیری اموال هلندی‌ها مطرح شد و میر مهنا آمادگی خود را برای این حمله اعلام کرد (فلور، 1371: 43).

1- Baron Knipphausen

2 - شهر باتاویا یا جاکارتا در غرب جزیره جاوه، در سواحل شمالی، در کنار خلیج جاکارتا (خلیج باتاویا / بتاویه) و دریای جاوه، قرار دارد. نام‌های قبلی آن سوندا کلاپا، جایاکارتا و بعد باتاویا بود. جاکارتا (باتاویا) از مشهورترین شهرهای بزرگ اسلامی، دارای بناهایی متعلق به دوره استعمار و بافت شهری مطابق الگوی شهرهای هلندی است.

اما القاسمی در کتاب الامیرالثائر دیدگاه دیگری دارد و معتقد است که کنیپ هاوزن از میر ناصر برای بازپس‌گیری اموالش کمک خواست و میر ناصر نیز موافقت کرد؛ اما میر مهنا با این کار سخت مخالفت می‌کرد، چون از یک طرف عواقب کار را در نظر گرفت و از طرف دیگر با شیخ ثامر، برادرزاده شیخ قبیلہ منتفق در بصره دوست بود و پدر را از حمله به بصره بر حذر می‌داشت (القاسمی، بی‌تا: 12-13). شیخ ناصر آل‌مذکور نیز در این ایام هلندی‌ها را تحت فشار قرار داد تا بوشهر را ترک کنند و دفتر تجاری بوشهر تعطیل شد. ضمن اینکه عملیات مشترک هلندی‌ها و میر ناصر زعابی با کشته شدن میر ناصر در سال 1168 ه. ق/ 1754 م به دست فرزندش میر مهنا عملی نشد (فلور، 1371: 47)؛ بنابراین بارون تمام نیروی خود را جهت تحکیم خارک و استقرار میرحسین برادر میر مهنا در بندر ریگ مصروف کرد. در بهار یا تابستان 1755 م/ 1169 ه. ق انگلیسی‌ها دست‌به‌کار شدند و به میرحسین، برادر و دشمن کنونی میر مهنا به‌طور رایگان مهمات دادند و در مقابل تقاضای پایگاهی در خارک را مطرح کردند که به دلیل اینکه برادران متنازع در شیراز زندانی بودند، با این تقاضا موافقت نشد. ولی فرانسویس وود<sup>1</sup>، نماینده‌ی کمپانی هند شرقی انگلیس در ماه سپتامبر رضایت وکیل<sup>2</sup> را به دست آورد. بارون نیز برحسب ظاهر با انگلیسی‌ها رفتار مؤدبانه داشت و حتی چندین بار به فرانسویس وود اجازه دیدن از خارک را داد، ولی وود از فرصت استفاده کرد و نقشه‌ای از دژ هلندی‌ها ترسیم کرد.

بعد از بازگشت برادران زعابی در آوریل 1756 م/ 1170 ه. ق، میر مهنا بعد از مدتی برادر را کشت و انگلیسی‌ها را نیز از ریگ اخراج و به بندرعباس منتقل کرد. ولی پناهگاه طبیعی میر مهنا یعنی خارک هنوز در دست هلندی‌ها بود. وی در سال 1756 م/ 1170 ه. ق مطالبه سالانه 900 تومان مال‌الاجاره جزیره خارک که ادعا می‌نمود پدرش در قرارداد با هلندی‌ها تصریح کرده بود را از کنیپ هاوزن نمود (پری، 1377: 27). هلندی‌ها بعد از استقرار در جزیره خارک، اقدام به تأسیس دژ نظامی موسلستاین<sup>3</sup> کردند که این نام‌گذاری به یاد و افتخار یاکوب موسل، فرماندار کل باتاویا صورت گرفت

1- Francis wood

2- منظور از وکیل، کریم‌خان زند است.

3- Mvslstayn

که با طرح تصرف جزیره خارک توسط واک<sup>1</sup> موافقت کرده بود (یاحسینی، 1373: 47). همچنین آنان در طول 12 سال فعالیت مداوم خود در خارک به تجارت مروارید و کالاهای دیگر می‌پرداختند. در این مدت، جمعیت جزیره از چند صد نفر به 12000 نفر افزایش یافت (وادالار، 1356: 44؛ روشن‌ضمیر، 1350: 70)؛ اما بعد از درخواست میر مهنا در سال 1756 م مبنی بر مطالبه مال‌الاجاره جزیره خارک، طرفین ظاهراً از اجرای عملیات خصمانه خودداری نمودند. تا اینکه در سال 1759 م در روز 14 آوریل دو فروند از جهازات میر مهنا از نوع گالیوات<sup>2</sup> به یک فروند از جهازات هلندی از نوع ترانکی بصره‌ای در حوالی جزیره خارک حمله کرد که این حمله توسط یگان شناور هلندی دفع شد (پری، 1377: 27). در اواخر سال 1173 ه. ق / 1759 م کنیپ هاوزن طراح استقرار هلندی‌ها در جزیره خارک سرخورده از اوضاع سیاسی و تجاری خلیج فارس و اقدامات میر مهنا، تقاضای استعفا کرد و دستیار پیشین وی «یان فان درهولست»<sup>3</sup> جانشین وی شد و در جمادی‌الاول 1173 ه. ق / 1759 م وارد خارک شد. او بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن هلندی‌ها را میر مهنا می‌دانست و برای سرکوبی وی تدبیری اتخاذ کرد (یاحسینی، 1373: 48).

### نماینده گی فان درهولست

فان درهولست در دوره نمایندگی‌اش برای مقابله با میر مهنا، استحکامات نظامی‌اش را گسترش داده و نیروهای بیشتری از بوشهر و گناوه به خدمت درآورد و یکی از واحدهای شناور نیروی دریایی انگلیس را به مبلغ 4590 تومان به کار گرفت. هلندی‌ها به محض احساس خطر از جانب میر مهنا از شیخ سعدون، حاکم بوشهر کمک خواستند و او با عده‌ای از تفنگچیان بوشهر به کمک ایشان شتافت. در جنگی که بین دو طرف در کنار جزیره خارکو واقع شد، سپاه هلند و بوشهر شکست خورد، تعداد زیادی از سربازان هلندی کشته یا اسیر شدند و شیخ سعدون به بوشهر بازگشت (شمیم، 1375: 152)؛ بنابراین میر مهنا و یارانش طرح حمله‌ی نهایی و درعین حال مخفیانه به جزیره خارک را برنامه‌ریزی کردند. در پایان ماه مارس 1762 م / 1176 ه. ق موقعی که دو فروند گالیوات

1- voc

2-Galley vot

3- yan von der hulst

هلندی عملیاتی نبوده و در حال تعمیر بودند و پادگان آن‌ها به مناسبت عید پاک از تعداد نفرات خود کاسته بود و در حال آماده‌باش کامل نبود، میر مهنا عملیات شبیخون به دژ خارک را توسط دو فروند گالیوات مسلح رهبری کرد و به‌منظور رعایت استتار و عدم شناسایی توسط هلندی‌ها به حيله نظامی دست زد چون می‌دانست که هلندی‌ها به‌طور منظم خواربار و تدارکات مورد نیازشان را شب‌هنگام از بوشهر به خارک می‌آورند؛ بنابراین به‌منظور فریب کشتی‌های هلندی تعدادی مرغ را به کشتی آورد که نگهبانان کسل و خسته از صدای مرغ‌ها پنداشتند که شناور تدارکاتی خودشان در حال نزدیک شدن به خارک می‌باشد و پیش از آنکه به اشتباهشان پی ببرند میر مهنا و یارانش بر آن‌ها چیره شدند (پری، 1377: 28-29). میر مهنا تعداد 200 نفر از افرادش را در خارک پیاده کرد و برای حمله به دژ هلندی‌ها پیشروی را آغاز نمود، اما افراد پادگان هلندی هجوم یاران میر مهنا را دفع کردند. میر مهنا و یارانش در پرتگاه‌های اطراف خارک پنهان شدند و در روز 6 آوریل که نیروهای کمکی از گناوه و بوشهر رسیده بود، عقب‌نشینی کردند.

### نمایندگی بوشمن<sup>1</sup>

بعد از جایگزین شدن «بوشمن» کشیش‌زاده هلندی به‌جای ، میر مهنا با فرستادن نماینده‌ای نزد وی و آزمایش زرنگی و چابکی‌اش با او وارد مذاکره شد. میر مهنا برای برقراری صلح شرایط بوشمن را پذیرفت، کشتی‌های به غنیمت گرفته شده هلندی‌ها را پس داد و از ادعای خود نسبت به جزیره خارک چشم‌پوشی کرد و از فوریه 1763 م هلندی‌ها بدون مشکل به تأمین تدارکات پرداختند و تجارتشان را از سر گرفتند. میر مهنا دو سال به آتش‌بس احترام گذاشت چون خود را برای تجهیز بندر ریگ برای رویارویی با وکیل آماده می‌کرد. او از تابستان 1763 م/ 1178 ه. ق که خان زند پایگاهی به شرکت هند شرقی انگلیس در بوشهر داده بود از نیروی دریایی انگلیس برای سرکوبی حاکم ریگ کمک خواست. او باوجود درخواست کریم‌خان از هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و حکام محلی و همچنین درخواست هلندی‌ها از انگلیسی‌ها و حکام محلی، مدارک و شواهد حاکی از آن بود که عملیاتی مشترک صورت نگرفته و میر مهنا کماکان درانجام

1- Bushman

فعالیت‌هایش موفق بود (پری، 1377: 29-30-31). در عملیات سال 1765 م که امیر گونه‌خان افشار برای سرکوبی میر مهنا انجام داد، میر مهنا به جزیره خارکو پناهنده شد. چون تپه و ماهور در خارکو وجود ندارد، می‌توان از چهار جانب جزیره پیاده شد (فرامرزی، 1347: 53). بوشمن در این عملیات با توجه به اینکه با میر مهنا در حال صلح بود دخالت نکرد و حتی اجازه داد میر مهنا گوسفندانش را در خارک بچراند (پری، 1377: 31).

### نمایندگی پیتر هوتینگ<sup>1</sup>

در ماه جولای سال 1765 م بوشمن بیمار شد و فرد بی‌تجربه‌ای به نام «پیتر هوتینگ» جای وی را گرفت. بعد از محاصره بوشهر توسط میر مهنا، ایرانی‌ها از هلندی‌ها درخواست کردند که وارد درگیری شوند و در غیر این صورت از خواروبار محرومشان می‌کنند؛ بنابراین هوتینگ با اکراه قبول کرد و درحالی‌که نیروهای هلندی وارد جزیره خارکو شدند، غافلگیرانه مورد حمله سواره‌نظام میر مهنا واقع شدند و نیروهای هلندی جز عده معدودی کشته و اسیر شدند. نیروهای میر مهنا به داخل خارک نفوذ کردند و بقیه پادگان‌های هلندی را به محاصره درآوردند و هوتینگ مجبور به مذاکره با میر مهنا شد. هدایتی در کتاب تاریخ زندیه حمله میر مهنا به هلندی‌ها را با جزئیات شرح می‌دهد (هدایتی، 1334: 170). میر مهنا با روحیه‌ای حاکی از اعتماد به نفس مطالبه سالی 1000 تومان بابت خراج سنوات گذشته را نمود و چون هلندی‌ها از این کار خودداری کردند، حمله میر مهنا به مواضع هلندی‌ها آغاز شد و در روز 21 دسامبر 1766 م/1180 ه. ق میر مهنا با افراد و باروبنه‌اش به خارک انتقال یافتند. برای مدت 10 روز پادگان هلندی‌ها مورد محاصره قرار گرفت و هوتینگ تسلیم میر مهنا شد. هوتینگ در اول ژانویه 1766 م در خارک به دیدار میر مهنا رفت و میر مهنا با کمال احترام آن‌ها را پذیرفت، سپس اعلام کرد که همگی زندانی و اسیر می‌باشند. هوتینگ هم چاره‌ای جز تسلیم نداشت؛ بنابراین جزیره خارک و قلعه آن بدون خونریزی به اشغال میر مهنا درآمد و هلندی‌ها سه روز بعد عازم بوشهر و سه ماه بعد عازم باتاویا شدند (پری، 1377: 33). اموال و ابنیه هلندی‌ها در جزیره خارک به تصرف میر مهنا

1- Peter houting

درآمد و مرکز بزرگ تجارت خلیج فارس در فاصله یک‌شب به بزرگ‌ترین پناهگاه یاران میر مهنا مبدل شد (هدایتی، 1334: 171).

به عقیده اسکندر دلدوم در کتاب خلیج فارس، میر مهنا که در سال 1766 م/1180 ه.ق با کمک پنهانی انگلیسی‌ها موفق به تبدیل کشتی‌های بازرگانی خود به ناوهای توپدار شده بود دژ هلندی‌ها را تسخیر و نه‌تنها آن‌ها را وادار به ترک جزیره خارک، بلکه عملاً به ترک خلیج فارس واداشت (دلدوم، 1363: 104). اسدی در کتاب خارجیان در خلیج فارس به خروج هلندی‌ها از خلیج فارس اشاره می‌کند و می‌گوید با سقوط جزیره خارک دوران سلطه و نفوذ یک قرن و نیم هلندی‌ها در خلیج فارس پایان یافت (اسدی، 1384: 46). نخستین تهاجم میر مهنا به جزیره خارک در سوم رمضان سال 1175 ق. / 1761 م انجام شد، اما مهم‌ترین حمله نظامی وی در سال 1180 ق. / 1766 م انجام شد. نتایج این حمله برای هلندی‌ها فاجعه‌بار بود زیرا قلعه موسلستاین سقوط کرد (اسد پور، 1387: 308). نیبور که خود در زمان حمله میر مهنا به خارک در این منطقه حضور داشت در سفرنامه خود درگیری میر مهنا با هلندی‌ها را شرح می‌دهد. وی علت شکست هلندی‌ها را نداشتن یک رهبر نظامی می‌داند چون تنها افسر هلندی مدتی قبل مرده بود (نیبور، 1354: 185). نامی اصفهانی می‌گوید: «هلندیان سرانجام، خاک مذلت بر سر و آب حسرت در دیده و آتش غم در دل از قلعه بیرون شتافته سر به دایره انقیاد نهادند» (نامی اصفهانی، 1368: 164)؛ بنابراین اولین روز سال 1766 م/1180 ه.ق به‌عنوان پایان 140 ساله فعالیت‌های تجاری هلندی‌ها در خلیج فارس که 12 سال آخرش حاکم مطلق خارک بودند محسوب می‌شود (پری، 1377: 33). کاهش نفوذ هلند در خلیج فارس و شرق تا بدان حد رسید که در اواخر قرن 19 و اوایل قرن 20 میلادی حتی دیپلمات‌های فرانسوی و یا انگلیسی در بوشهر عهده‌دار امور دولت هلند در منطقه بودند (وادالا، 1356: 45). هلندی‌ها در طول اقامت خود در جزایر و سواحل خلیج فارس از زمان صفویه تا دوره زندیه با ایرانی‌ها اختلاط پیدا کرده‌اند و نسلی مخلوط از آنان به وجود آمد و عده‌ای نیز از آن مردم در سواحل خلیج فارس متوطن شده و به هلند بازنگشته‌اند (نوائی، 1384: 95)؛ بنابراین شاهد این هستیم که کلونی‌های هلندی در خلیج فارس تشکیل شده بود و نسلی جدید و امتزاجی در سواحل خلیج فارس از ایرانی‌ها و هلندی‌ها به وجود آمده بود. به‌طور کلی عوامل مختلفی باعث شدند هلندی‌ها حدود



140 سال در خلیج فارس فعالیت‌های موفق‌تری داشته باشند که از جمله این عوامل می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

- 1- آن‌ها وابسته به دولت و شاخه‌ای از حکومت هلند تلقی شده و کمپانی هند شرقی هلند می‌توانست از سلاح‌های جنگی و وسایل نظامی برای حفظ تأسیسات خود در هر جای دنیا استفاده کند (جناب، 1356: 14).
- 2- عامل دیگر موفقیت هلندی‌ها رازداری در امر تجارت بود (ویلن، 1366: 192).
- 3- عامل دیگر موفقیت هلندی‌ها تفکر مثبت و حسن ظن شرقی‌ها نسبت به تجارت آن‌ها در دوره مورد بحث بود (ویلسن، 1366: 194).
- 4- تفوق و سیادت هلندی‌ها در مشرق معلول آزادی مطلق بود که در مملکت خود تحصیل کرده بودند. هلندی‌ها وقتی وارد عرصه تنازع شدند اطلاعات دقیقی راجع به تجارت مشرق فراهم آورده بودند، به علاوه دولت و ملت مصمم شده بودند که جزایر ادویه را به تصرف خود درآورده و دست هر قوم دیگری را از آن‌ها کوتاه سازند (ویلسن، 1366: 195-196). علاوه بر موارد ذکر شده، به نظر نگارنده عوامل دیگری در موفقیت یک قرن و اندی هلندی‌ها در تجارت شرق و خلیج فارس نقش داشتند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
  - 1- یک دلیل عمده پیشرفت آن‌ها آن بود که مؤسسات انگلیسی و پرتغالی در آن صفحات بدون مدافع و نگهبان بود، به علاوه کمپانی هند شرقی هلند وجوه هنگفت و کشتی‌های متعدد در اختیار خود داشت.
  - 2- دلیل دیگر رقابت و منازعه میان سه شرکت انگلیسی به نام‌های کمپانی روسیه، کمپانی خاور نزدیک «لوانت»<sup>1</sup> و کمپانی هند شرقی انگلیس است. این رقابت باعث شده بود که تجار انگلیسی از رقیب‌شان یعنی هلندی‌ها عقب بمانند. سرانجام در اوایل قرن 18 م بود که با متحد شدن شرکت‌های انگلیسی تجارت و بازرگانی به دست انگلیسی‌ها افتاد و هلندی‌ها کم‌کم از شرق رخت بربستند.

1- Levant

3- عامل دیگر این بود که هلندی‌ها برخلاف انگلیسی‌ها صاحب یک شرکت تجاری در شرق بودند که همان‌طور که بیان شد این شرکت از حمایت دولت هلند نیز برخوردار بود؛ بنابراین شرکت هند شرقی هلند بدون رقیب در شرق فعالیت می‌کرد و می‌توانست برای خرید و فروش اجناس هر قیمتی را که می‌خواهد انتخاب کند، ضمن آنکه رقیبی برای گرفتن بازار از آن‌ها وجود نداشت.

اما همان‌طور که عوامل مختلفی باعث شدند تا هلندی‌ها یک قرن و اندی در خلیج فارس و شرق بمانند، علل و عواملی نیز سرانجام باعث افول آن‌ها بخصوص در خلیج فارس شده است که در زیر به این موارد اشاره می‌شود:

1- ظلم و ستمی که هلندی‌ها نسبت به مردم شرق روا می‌داشتند (نشأت، 1344: 178). ویلسن در کتاب خلیج فارس به نقل از ثنوت<sup>1</sup> سیاح اروپائی که در سال 1663 م از بندرعباسی دیدن کرده بود به ظلم آن‌ها نسبت به شیخ بندر اشاره می‌کند (ویلسن، 1366: 192).

2- هلندی‌ها در برابر انگلیسی‌ها در خلیج فارس به ایجاد پایگاه‌های تجاری و انبارها و مراکز اداری و بازرگانی اقدام نموده و با آنان به رقابت گسترده‌ای پرداختند؛ اما به هر میزان که انگلیسی‌ها آب‌زیرکاه و مسلط بر احساسات خود بودند، هلندی‌ها سمج و بی‌ادب و خودخواه و پرتوقع و گدامنش بودند (دلدم، 1363: 103)؛ بنابراین قدر مسلم بود که هلندی‌ها با این نوع برخوردها بخصوص با انگلیسی‌های سیاسی، تجارت خود در شرق را به خطر انداختند و افول تجاری خود را هر چه بیشتر نزدیک می‌کردند، یا در مورد دیگری با شکست انگلیسی‌ها از هلندی‌ها در 1667 م، هلندی‌ها در بندرعباسی وقاحت را تا جایی پیش بردند که مجسمه‌ای کاغذی از شارل دوم، پادشاه انگلیس ساختند و آن را آتش زدند (نشأت، 1344: 178).

3- عامل دیگر افول کمپانی هند شرقی هلند «واک» مشکلات درونی این شرکت، مسائل آن در شرق دور و همچنین هزینه‌های سنگین اداری بود که این موضوعات را خود هلندی‌ها نیز تأیید کرده‌اند (فلور، 1371 ب: 210-214).

1- sunnot

به نظر نگارنده عوامل دیگری نیز در افول قدرت هلندی‌ها در خلیج فارس شده بود و از جمله این عوامل می‌توان موارد زیر را برشمرد:

1- یکی از این عوامل قدرت‌گیری میر مهنا بندر ریگی بود، هرچند دیدگاه‌های مختلفی در مورد خروج هلندی‌ها توسط میر مهنا وجود دارد؛ و همه نویسندگان این اقدام وی را تأیید نمی‌کنند؛ و متناسب با سیاست‌های دولت ایران در آن دوره نمی‌دانند.

2- رقابت اساسی و عمده بین هلندی‌ها و انگلیسی‌ها بر سر تجارت شرق و همچنین مسائل اروپا باعث شده بود که انگلیسی‌ها تمام تلاش خود را برای بیرون راندن رقیب خود به کار ببرند و در این راه از هیچ کاری ابا نداشتند، ولی انگلیسی‌ها سیاست و شیوه برخورد را بسیار خوب بلد بودند در حالی که هلندی‌ها همیشه بی‌گدار به آب می‌زدند و به‌طور کلی سیاسی نبودند.

3- ترس و واهمه‌ای که ساکنان خلیج فارس از حضور هلندی‌ها در آنجا داشتند، زیرا هلندی‌ها بیش از آنکه به شیوه برخورد با مردم شرق بیاندیشند به پیشبرد اهداف اقتصادی خود در شرق فکر می‌کردند و هیچ‌گاه فکر نمی‌کردند که زمانی یکی از رؤسای قبایل خلیج فارس از حضور استعماری آن‌ها به تنگ آمده و همه نقشه‌های آنان را نقش بر آب می‌کند؛ بنابراین خود هلندی‌ها نیز اذعان دارند که افول تجارت آن‌ها در خلیج فارس معلول عوامل داخلی نیز بوده است، هرچند عوامل بیرونی مختلفی نیز در این افول نقشی داشته است.

### میر مهنا در صحنه قدرت و ایجاد نامی در خلیج فارس

آنچه از منابع برمی‌آید این است که «میر ناصر» پدر میر مهنا از قبیله زعاب بود. جد بزرگ این خاندان از اعراب «مطاریش» بوده که در زمان شاه صفی صفوی از منطقه جلفار عمان به کرانه‌های شمالی خلیج فارس و به‌طور مشخص منطقه حیات داوود و بندر ریگ مهاجرت کرده‌اند. میر ناصر در ایران به مذهب شیعه پیوست و با دختری ایرانی و شیعه ازدواج کرد (پری، 1368: 222). پس از قتل میر ناصر اختلاف بین پسرانش آغاز شد به‌طوری‌که میرحسین بدون سلاح و قدرت خود را به جزیره خارک و نیروهای هلندی رساند و با آن‌ها وارد مذاکرات طولانی شد. هلندی‌ها قول دادند مقادیر

معتنابهی پول و تجهیزات نظامی به وی تحویل دهند و میرحسین در مقابل قول همکاری نزدیک با کمپانی واک را در صورت پیروزی به هلندی‌ها داد. در این بین انگلیسی‌ها نیز از میر مهنّا طرفداری کرده و حتی نماینده خود را نزد میر مهنّا در ریگ فرستادند؛ اما نماینده آن‌ها زمانی رسید که جنگ دو برادر آغاز شده بود.

میرحسین در 13 شوال 1168 ه. ق / 25 ژوئیه 1754 م همراه متحدانش در ساحل بین بندر بوشهر و بندر ریگ پیاده شد و در ذی‌قعدة/ اوت همان سال بندر ریگ را محاصره و میر مهنّا را مجبور به فرار کرد. میرحسین در اولین اقدام برای تلافی کمک‌های مالی و نظامی هلندی‌ها قدرت نظامی‌ها آن‌ها را با اهداء یک کشتی گالیوات افزایش داد. همچنین در قبال وامی که پدرش از هلندی‌ها گرفته بود، 20 توپ آهنین، یک توپ هفت پوندی به ارزش 973010 فلورین به هلندی‌ها داد (یاحسینی، 1373: 55). در تابستان 1168 ه. ق / 1754 م سپاه دشتستان به رهبری محمدبیگ خورموجی (شوهر خواهر میرحسین) به مصاف آزاد خان رفت که در این لشکرکشی نیروهای میرحسین هم حضور داشتند. یاری‌دادن به کریم‌خان، روابط میرحسین را با او بهبود بخشید و باعث شد خان زند از میرحسین حمایت کند (نامی اصفهانی، 1368: 45)؛ اما در نهم ربیع‌الاول 1168 ه. ق / هفتم دسامبر 1754 م میر مهنّا با همیاری قائد حیدر، حاکم گناوه به قلمرو برادرش حمله کرد و او را زخمی و اسیر نمود (یاحسینی، 1373: 58). میرحسین که از لشکرکشی کریم‌خان و هلندی‌ها باخبر شد در دوم ربیع‌الآخر 1169 ه. ق / 16 ژانویه 1755 م از زندان گریخت و خود را به سپاه مهاجم رساند. در ششم ربیع‌الآخر 20 ژانویه سپاه شش هزار نفری، بندر ریگ را به تسخیر درآورد و میرحسین را به سمت حاکم رسمی بندر ریگ و حومه برگزید. میر مهنّا اسیر و بازداشت و برای اعزام به شیراز به حاکم دشتستان سپرده شد (نامی اصفهانی، 1368: 160). در این نبرد که 40 روز پس از فتح بندر ریگ توسط میر مهنّا صورت گرفت، علاوه بر مشارکت سپاهیان محلی و حکومتی ایران، قوای دریایی مجهز به کشتی‌های توپدار هلندی نیز فعالیت مؤثر داشتند (فقیه، 1383: 109). وقتی فرماندار کل هند شرقی هلند از موضوع کمک هلندی‌ها به میرحسین آگاه شد، در نامه‌ای عتاب‌آمیز به او نوشت و نماینده کمپانی هلند به فرماندار کل هلند گفت که حمایت از میرحسین اعتبار ما را نزد ایرانی‌ها بالا برده است (القاسمی، 1368: 58).

میرحسین در اول جمادی‌الاول 1169 ه. ق / اول فوریه 1755 م برای قدردانی از هلندی‌ها و شخص کنیپ هاوزن به خارک رفت. این ارتباط صمیمی خشم و حسادت انگلیسی‌ها و شیخ نصر را برای حمله به خارک و بندر ریگ برانگیخت. پشتیبانی هلندی‌ها از میرحسین از دید انگلیسی‌ها دور نماند. بر این اساس وقتی میر مهنا که پس از فرار از خارک به دست حاکم تنگسیر زندانی شده بود، آزاد شد و به بوشهر رفت، فرانسویس وود نماینده کمپانی انگلیس در بوشهر و شیخ ناصر حاکم بوشهر با او در ملاقاتی مخفیانه مقدمات بازگشتش را به حاکمیت بندر ریگ فراهم کردند. شیخ ناصر در این ملاقات تعهد کرد پانصد نفر را از طرف خوانین دشتستان در اختیار میر مهنا قرار دهد (القاسمی، 1368: 59). در همین هنگام یعنی در جمادی‌الآخر 1169 ه. ق / 22 مارس 1755 م میر مهنا با پا در میانی محمد بیگ خورموجی از زندان کریم‌خان آزاد شد و بلافاصله وارد بوشهر شد و با شیخ نصر و فرانسویس وود، نماینده «ایک» برای تصرف ریگ و خلع میرحسین وارد مذاکره شد (یاحسینی، 1373: 59). شیخ نصر نیز اردویی شامل 500 مرد جنگی با تجهیزات لازم برای میر مهنا ترتیب داد و باهم به بندر ریگ یورش بردند، اما هنوز به حوالی بندر نرسیده بودند که میرحسین و هلندی‌ها با دادن رشوه به اردوی آن‌ها، مجبورشان کردند که عقب‌نشینی کنند.

میرحسین پس از مذاکرات محرمانه با انگلیسی‌ها، میرعلی برادر کوچکش را به‌عنوان معاون خود در بندر ریگ منصوب کرد و در شوال 1169 ه. ق / ژوئن 1755 برای شکایت میر مهنا و شیخ نصر عازم دربار کریم‌خان در شیراز شد. وی در شیراز به اهدافش رسید و حکمران رسمی بندر ریگ و حومه شد. ولی در اواخر 1169 ه. ق / 1755 م خوانین و سران بوشهر، دشتی و دشتستان علیه حکومت مرکزی شورش کردند. کریم‌خان شورشیان از جمله میرحسین، میر مهنا، قائد حیدر و شیخ نصر را در اصفهان زندانی کرد (پری، 1368: 227). دلیل عمده‌ای که کریم‌خان برای توجیه عمل سرکوبگرایانه خود ارائه می‌داد، امتناع آنان از پرداخت خراج بود که خود نوعی سرپیچی از فرامین حکومتی و طغیان بر علیه حاکمیت پادشاهی ایران بود (فقیه، 1383: 117)؛ اما میر مهنا در رجب 1170 ه. ق، به دنبال حمله محمدحسن خان قاجار و فرار کریم‌خان زند از اصفهان از اسارت گریخت و در شعبان 1170 ه. ق / آوریل 1756 م به همراهی برادرش میرحسین، درحالی‌که به‌ظاهر باهم در صلح بودند وارد بندر ریگ شدند. این صلح چندان پایدار

نماند، چون میر مهنا در رمضان سال مذکور میرحسن را همراه با 15 تن از خویشاوندانش به قتل رساند و بر ریگ مسلط شد.

فرانسیس وود نماینده «یک» در ماه ژوئن 1756 م تأسیسات بازرگانی خود را ترک و به بندرعباسی رفت، اما ماه جولای که بازگشت، دید میر مهنا برادر و پانزده نفر از بستگانش را به قتل رسانده و ساختمان نمایندگی انگلیسی‌ها را با خاک یکسان کرده است. میر مهنا در پاسخ به اعتراض فرانسیس وود، به وی گفت که چون اهالی بندر ریگ راضی به بنای چنین دژی در میانه شهر خود نیستند، آن‌ها را ویران کردند؛ بنابراین اگر انگلیسی‌ها مایل به بنای دژی در سواحل بندر ریگ باشند می‌تواند به آن‌ها در این امر کمک کند (فقیه، 1383: 125-126). از عزیمت شتاب آلود وود برمی‌آید که وی از این اقدام آگاه بود و عملاً میرحسین را به دست سرنوشت سپرد. سرانجام در شب ششم نوامبر 1756 م دسته‌ای از راهزنان میر مهنا، وود و کارمندانش را از بندر ریگ اخراج کردند. فرانسیس وود نیز با کشتی دراگون به بندرعباسی رفت (پری، 1377: 26-27). میر مهنا تا چند سالی دیگر اقدام به راهزنی بازرگانان که از راه خشکی یا دریا از بندر ریگ می‌گذشتند می‌نمود و اخبار شقاوت‌هایش نظیر غرق کردن خواهرانش، زنده‌به‌گور کردن دخترانش، بریدن بینی و گوش افرادی که به خاطر خطاهای کوچک چهره او را در سرتاسر خلیج فارس به صورتی هراس‌انگیز نشان می‌داد (پری، 1368: 227).

البته این دیدگاه جان پری نسبت به اقدامات میر مهناست و برای گفته‌های خود سند معتبری ارائه نکرده است و به‌طورقطع یقین نمی‌توان به گفته‌های وی اطمینان کرد و یا بر اساس این گفته‌ها در مورد میر مهنا قضاوت کرد. ضمن آنکه با توجه به دشمنی استعمار اروپائی با میر مهنا باید در این‌گونه گفته‌ها شک کرد. ضمن آنکه القاسمی نیز معتقد است که شیخ سلیمان (سلمان) بنی کعبی از خواهر میر مهنا برای خود خواستگاری کرد، اما میر مهنا پیشنهاد وی را رد و از فلاحیه خارج شده بود که خواهرانش بر روی کشتی راز همدیگر را با شیخ سلیمان افشا کردند و میر مهنا وقتی خواهرش را این‌طور دید وی را غرق کرد (القاسمی، بی‌تا: 48-49).

گزارش هلندی‌ها در مورد میر مهنا نیز خواندنی است: وضع سرزمین‌های ساحلی چنان ناامن بود که ساحل‌نشینان از ترس جان شب‌ها در قایق‌ها می‌ماندند و چون بامدادان مطمئن می‌شدند که خطری در کار نیست دوباره به خانه‌های خود

بازمی‌گشتند (فلور، 1371 ب: 110)؛ اما کریم‌خان در اکتبر 1757 م / 1171 ه. ق به دلیل ناامنی‌های میر مهنّا پس از لشکرکشی علیه قاید حیدر حاکم گناوه وی را احضار کرد. میر مهنّا به دریا گریخت ولی پادشاه زند، بندر را محاصره کرد و اخطار داد که چنانچه میر مهنّا ظرف سه روز تسلیم نشود، حمله‌اش را آغاز خواهد کرد. میر مهنّا ناگزیر خود را تسلیم نمود و در شیراز به زندان افتاد و چندی به بعد با وساطت محمدبیگ خورموجی آزاد شد و به بندر ریگ بازگشت (غفاری کاشانی، 1362: 274). در این حمله نیروهای کریم‌خان انواع مهمات و توپ را امتحان کردند اما چون میر مهنّا دور از آن‌ها بود همه تلاش‌ها بی‌فایده بود و نیروهای میر مهنّا آنان را به دید تمسخر می‌گرفتند (القاسمی، بی‌تا: 37). کریم‌خان زمانی که میر مهنّا را از زندان آزاد کرد برای اینکه تحت نظر باشد وی را به‌عنوان حاکم بندرعباس منصوب کرد. یک ماه نگذشته بود که میر مهنّا و یارانش به ریگ رفتند (القاسمی، بی‌تا: 40). وی پس از بازگشت برادر ناتنی‌اش میرعلی را نیز به قتل رساند و بدین ترتیب حاکم بلامنازع بندر ریگ شد. بنا به گفته عبدالحسین نوائی کریم‌خان چون آدم‌شناس بود نخواست که آن مرد شرور خون‌خوار را دوباره به بندر ریگ بفرستد، اما میرزا محمدبیگ خورموجی داماد میر مهنّا از او شفاعت کرد و کریم‌خان پذیرفت و میر مهنّا دوباره به محل خود بازگشت (نوائی، 1384: 91-92).

میر مهنّا در پناه افراد جان‌برکف، پانزده سال به‌صورت قدرتی بلامنازع در سراسر نواحی خلیج‌فارس خودنمایی می‌کرد. اقدامات متهورانه میر مهنّا را که می‌توان نوعی عملیات پارتیزانی در نظر گرفت، یادآور کارهای عیاران و مهتران در داستان‌های کلاسیک و افسانه‌های قدیمی می‌باشد (فقیه، 1383: 141). اوج رفتارهای خشن و ملیتاریستی میر مهنّا که با تکیه بر ناوگان دریایی مجهز بندر ریگ، عرصه را بر همگان تنگ کرده بود، در فاصله سال‌هایی بود که کریم‌خان برای مدت هفت سال از شیراز و جنوب کشور دور بود (اسد پور، 1387: 218). میر مهنّا در ربیع‌الاول 1173 ه. ق به بصره حمله کرد اما ناموفق بود. همچنین در جمادی‌الاول همان سال به دلیل مقاومت قائد حیدر نتوانست گناوه را تصرف کند. ضمن آنکه در محرم 1174 ه. ق شیخ نصر و خوانین دشتستان به ریگ حمله کردند اما از میر مهنّا شکست خوردند. در همین سال بود که ولی خان سردار زندیه به بندر ریگ حمله‌ور شد، اما در مبارزه با میر مهنّا کشته

شد و به این منوال میر مهنا گناوه را تصرف و قائد حیدر را مجبور به فرار به خارک و سپس بوشهر کرد (رجبی، 1376: 96). در سال 1175 ه.ق / 1762 م که وکیل پیروزمندانه از مناطق شمالی ایران بازگشت مصمم شد که شخصاً راهی برای سرکوبی میر مهنا پیدا کند و به همین دلیل نیروی مشترکی از ایرانی‌ها و هلندی‌ها به بندر ریگ فرستاد. میر مهنا نیز در مقابل تمام همسایگانش واکنش نشان داد و بخصوص به کاروان‌های بین راه بوشهر - شیراز حمله می‌کرد و به غارت آن‌ها می‌پرداخت و در عید 1762 م نیز حمله ناموفقی به خارک انجام داد. اینک برای سرکوبی میر مهنا، ایرانی‌ها و ترک‌هایی که در بصره به خاطر وجود این دزد دریایی زیان‌هایی دیده بودند و همچنین انگلیسی‌ها که تجارت خود را در خلیج فارس مختل می‌دیدند، از سه طرف اظهار علاقه می‌کردند (رستم الحکما، 1352: 382).

وقتی کریم‌خان در ماه صفر 1179 ه.ق / 1765 م به شیراز بازگشت، با قضیه بندر ریگ و مشکل میر مهنا خود را مواجه یافت. میر مهنایی که رستم الحکما از او تحت عنوان یاغی، پرخاشجوی، خون‌ریز و با عالمی در ستیز نام می‌برد (پری، 1377: 35). رفتارهای تند و افراطی میر مهنا بود که باعث شد کریم‌خان زند ناگزیر از همکاری با انگلیسی‌ها شود، به خصوص آنکه از ناوگان دریایی مستقل نیز بی‌بهره بود (نیبور، 1354: 169)؛ اما برخلاف کریم‌خان زند، میر مهنا از نیروی دریایی قدرتمندی برخوردار بوده است که حاضر به تمکین در مقابل وکیل نبوده است و کاروان‌های مختلف نواحی جنوبی ایران را مورد دستبرد قرار می‌داد و وحشت و اختناق را در سراسر این نواحی به وجود آورده بود. این ناامنی‌ها که نقشی اساسی در رکود تجارت خارجی در دوره کریم‌خان داشتند باعث شده بود که حتی نیبور زمانی که می‌خواست از بوشهر عبور کند نتوانست به یک کشتی دست یابد، چون کشتی‌های بوشهر به سبب وحشتی که از میر مهنا داشتند کار نمی‌کردند (نیبور، 1354: 42). وی حتی از ضعف کریم‌خان و فقدان نیروی دریایی وی گزارش می‌دهد و اینکه حکام مناطق ساحلی از این ضعف استفاده کرده و از پرداخت مالیات طفره رفته و آشکار از ضعف دریایی وی صحبت می‌کردند (هوشنگ مهدوی، 1387: 181). بنا به گفته منابع حمله قوای زندیه در 1179 ه.ق / 1765 م تحت فرماندهی امیرگونه‌خان افشار انجام شد و بعد از سه ماه غیرفعال ماندن، میر مهنا متوجه شد که بهتر است به جزیره خارکو در نزدیکی خارک پناهنده شود.



سپس به علت بی‌آبی و نامناسب بودن آب‌وهوای خارکو متوجه جزیره خارک شد. او هلندی‌ها را در سال 1180 ه.ق / 1766 م برای همیشه از خلیج فارس بیرون راند. به عقیده احمد فرامرزی: اگر میر مهنا به این کار قناعت می‌ورزید و آرامش را پیشه می‌ساخت، محبوبیت بسیار به هم می‌رسانید؛ زیرا بیرون کردن بیگانه از یک قسمت حساس وطن یعنی خلیج فارس مطلوب همه ایرانیان و سایر سکنه خلیج بود و اگر این کار را می‌کرد در زمره مجاهدان وطن قرار می‌گرفت (فرامرزی، 1347: 48).

یکی از ویژگی‌های جدال‌های میر مهنا با رقبای مختلفش، برخلاف دیگر جنگ‌هایی که میان حاکمان ساحلی درمی‌گرفت، استمرار آن بود. از سال 1138 ش / 1759 م تا مرگ میر مهنا در سال 1148 ش / 1769 م هیچ‌گاه جدال‌های او حتی برای مدتی کوتاه به متارکه و مصالحه‌ای جدی نینجامید (فقیه، 1383: 151). کریم‌خان زند که بیش از این نمی‌توانست خودسری‌های میر مهنا را تحمل کند، زکی خان را مأمور دفع وی کرد و چون برای سرکوبی وی به نیروی دریایی نیاز داشت به انگلیسی‌ها امتیازاتی داد تا آنان وسایل بحری و نیروی لازم را در اختیار زکی خان قرار دهند. انگلیسی‌ها عملاً فقط یک کشتی کوچک را در اختیار او قرار دادند که باعث رنجش کریم‌خان شد (شعبانی، 1377: 146). سرانجام تصمیم گرفته شد با تمام نیروی دریایی ممکن به مواضع میر مهنا حمله شود این تصمیم در سال 1182 ه. ق گرفته شده بود؛ اما قبل از اینکه نیروی زمینی ایران به ساحل خلیج فارس برسد، انگلیسی‌ها به خارک حمله کرده و به خاطر کمبود نیروی انسانی شکست خوردند و با این بهانه که کریم‌خان قصد حمله جدی را ندارد کشتی‌های خود را از خلیج فارس بیرون کشیدند. درست در موقعی که انگلیسی‌ها در حال ترک خلیج فارس بودند، سپاه نیرومند ایران به رهبری زکی خان زند به ساحل خلیج فارس رسید. یک‌بار دیگر انگلیسی‌ها بدقولی کردند و کریم‌خان را برخلاف تعهدشان تنها گذاشتند، اما این بار تصادفاً حادثه‌ای به کمک کریم‌خان شتافت (رجبی، 1376: 100). در روز 17 رمضان 1182 ه.ق / 26 ژانویه 1769 م متحدان میر مهنا به علت درد و رنج ناشی از محاصره و ترس از نابودی تصمیم گرفتند رئیس خود را دستگیر کنند و تحویل دهند. ماجرا از این‌قرار بود که زکی خان در زمان ورود به بندر ریگ از تمامی رؤسای طوایف ساکن در سواحل از بندرعباس تا خوزستان تقاضای اعزام کشتی کرد (نامی اصفهانی، 1368: 165). نیروهای مختلف از سراسر منطقه گرد هم آمدند و

در همان حال زکی خان درصدد رخنه در نیروهای هوادار میر مهنا برآمد و توانست یکی از نزدیکان او به نام حسن سلطان را راضی نماید تا در جزیره خارک علیه میر مهنا شورش کند (وثوقی، 1384: 360). درحالی که میر مهنا در بازار خارک قدم می‌زد توسط گروهی به رهبری حسن سلطان موردحمله غافلگیرانه قرار گرفت که به‌سختی و با همراهی محافظان وفادارش با قایقی کوچک از راه کویت به بصره فرار کرد. میر مهنا و همراهانش در یک کشتی شکسته بدون آذوقه و آب شیرین دستخوش امواج بلا شده و به دریا زدند و از بدشانسی وی طوفانی سخت درگرفت و کشتی بر اثر امواج هر لحظه به سمتی می‌رفت تا اینکه صبح طوفان فرو نشست و کشتی به ساحل بصره افتاد (نوائی، 1384: 96). میر مهنا درحالی که در بندر بصره پیاده شد به‌وسیله یکی از اهالی شناسایی شد و به حاکم بصره تحویل داده شد. هرچند میر مهنا از حاکم بصره تقاضای پناهندگی کرد، اما بدون توجه به وی شبانه در زندان به قتلش رساندند و سرش را برای پاشای بغداد فرستادند (نامی اصفهانی، 1368: 168).

دره‌رحال واقیعت میر مهنا با همه تبعات نیک و بد آن در نیمه‌شب 5 فروردین‌ماه 1148 ش برابر با 24 مارس 1769 م و پس از طی یک‌عمر 34 ساله پایان پذیرفت (فقیه، 1383: 151). پس از فرار میر مهنا توطئه‌کنندگان و رئیس آنان، حسن سلطان بر جزیره مسلط شدند و مراتب بندگی خود را با فرستادن پیکی به حکومت مرکزی اعلام کردند (هدایتی، 1334: 172). حسن سلطان پس از فرار میر مهنا برای حفظ اموال و ذخایر وی و نگهداری سکان جزیره به‌وسیله زکی خان از وکیل کسب تکلیف کرد. کریم‌خان وی را به شیراز احضار و به لقب خانی مفتخر و به حکومت جزیره خارک منصوب کرد (فرامرزی، 1346: 36). بنا به گفته نامی اصفهانی در کتاب گیتی‌گشا زکی خان زند را مأمور به تخریب بنیان نام و نشان او فرمودند (نامی اصفهانی، 1368: 168). دره‌رحال مرگ میر مهنا باعث شد تا همه دشمنان داخلی و خارجی وی شادمان و از شر وی خلاص شوند و هیچ‌کدام به حال وی غمگین نشدند و تازه از کابوسی رهایی یافته بودند که سال‌ها نگاه همگان را معطوف خود کرده بود. هرچند اعتراض کریم‌خان زند به حاکم بصره به علت قتل میر مهنا، بعدها به یکی از علل اساسی حمله و لشکرکشی کریم‌خان به بصره تبدیل شد (اسد پور، 1387: 220). مالکم درباره میر مهنا می‌نویسد: «اگر متابعتش با او می‌ساختند شاید تا مدتی می‌توانست در مقابل قوایی که

از خارج رو به جزیره آورده بود مقاومت کند، اما کسانی که با وی بودند از در عناد برآمدند و او مجبور شد به بصره بگریزد» (مالکوم، 1362: 282).

نظرات متفاوتی در مورد شورش میر مهنا وجود دارد به طوری که عده‌ای سعی دارند شورش‌های وی را مبارزه با استعمار اروپائیان قلمداد کنند و از وی یک اسطوره ملی بسازند؛ زیرا به عقیده این گروه میر مهنا توانست هلندی‌ها را برای همیشه از خلیج فارس اخراج کند. وی همچنین تا سرحد توان در مقابل انگلیسی‌ها و نماینده دولت عثمانی در بصره ایستاد. در مقابل گروه دیگری سعی دارند میر مهنا را با عناوینی چون یاغی و طغیانگر، شورشی، دزد دریایی و چهره‌ای هراس‌انگیز قلمداد کنند که باعث شده بود حکومت مرکزی ایران برای سرکوبی وی دست به دامن اروپائیان شود. این اقدام خود نه تنها به مبارزه با استعمار کمک نکرد، بلکه بهانه‌ای شد برای حضور هر چه بیشتر اروپائیان در خلیج فارس، در آن دوره زمانی انگلیسی‌ها نماینده استعماری اروپائیان در خلیج فارس بودند. به نظر نگارنده میر مهنا می‌توانست در ضمن اخراج بیگانگان از خلیج فارس در سازش با حکومت‌های وقت نقش سازنده‌ای در تحولات کشور ایفا نماید.

### علل افول قدرت میر مهنا:

اما علل و عوامل مختلفی در افول و زوال قدرت میر مهنا در خلیج فارس و بخصوص بندر ریگ و جزیره خارک مؤثر بود که در زیر به عواملی از این قبیل اشاره می‌شود:

1- یکی از عوامل افول قدرت میر مهنا را می‌توان تلاش بی‌وقفه حکومت مرکزی و در رأس آن کریم‌خان زند را برشمرد که برای فیصله دادن به قضیه میر مهنا به هر دری می‌زد و حتی بارها از کشورهای انگلیس، فرانسه و هلند تقاضای کمک کرده بود. وی که نسبت به تجارت خارجی و امنیت سواحل و بنادر ایران به شدت حساس بود چاره‌ای جز سرکوبی میر مهنا نداشت (رجایی، 1377: 36). ضمن آنکه نیروی قدرتمند دریایی میر مهنا نیز در این تصمیم وکیل بی‌تأثیر نبود، زیرا وکیل که در مسند قدرت یک حکومت مرکزی بزرگ تکیه زده بود و از ناوگان دریایی قدرتمند بی‌بهره بود، مسلماً قدرت حاکم بندر ریگ و جزیره خارک یعنی میر مهنا را بر نمی‌تابید.

2- سیاست‌های ویژه میر مهنا و اینکه برای رسیدن به قدرت از هیچ کاری ابا نداشت و همه اطرافیان خود را به‌مرور زمان از نعمت زندگی بی‌بهره کرد. این ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی میر مهنا باعث شد تا سراسر بنادر و سواحل خلیج فارس از رفتار وی در امان نباشند و استعمارگران اروپایی را بر این فرزند دریا ترجیح دهند.

3- یکی دیگر از عوامل افول قدرت میر مهنا، نقش قدرت‌های اروپایی بود که در رأس این قدرت‌ها انگلیسی‌ها و کمپانی هند شرقی انگلیس قرار داشتند. شاهد این مدعا تلاش‌های بی‌وقفه انگلیسی‌ها برای سرکوبی میر مهنا نه از طریق نیروهای خود بلکه با تحریک وکیل برای فیصله دادن به قضیه میر مهنا بود.

هرچند همان‌گونه که اشاره شد میر مهنا و انگلیسی‌ها تا زمان کشته شدن میرحسین توسط میر مهنا و همچنین اخراج انگلیسی‌ها از بندر ریگ، باهم متحد و مخالف میرحسین و هلندی‌ها بودند. با این وجود همین که انگلیسی‌ها قدرت رو به تزاید میر مهنا را مشاهده کردند شروع به مخالفت با وی کردند. ضمن آنکه قدر مسلم این بود که قدرت رقیب جدیدی به نام میر مهنا که فرزند وطن بود بسیار وحشتناک‌تر از قدرت رقبای آن‌ها از جمله هلندی‌ها بود. علاوه بر انگلیسی‌ها هلندی‌ها نیز از همان ابتدا بنای مخالفت با میر مهنا را گذاشتند که این مخالفت سرانجام به بهای خروج همیشگی آن‌ها از خلیج فارس تمام شد. هرچند هلندی‌ها در زمان افول قدرت میر مهنا، خود از خلیج فارس رانده شده بودند، ولی با این وجود تا در خلیج فارس حضور داشتند، دست به هر کاری برای مخالفت با میر مهنا می‌زدند حتی اگر به قیمت خروجشان از خلیج فارس بوده باشد. نه تنها انگلیسی‌ها و هلندی‌ها بلکه دیگر قدرت‌های اروپایی از جمله فرانسه نیز اگرچه نه به شکل واضح و بارز، ولی همانند دیگر همتایان اروپایی خود قدرت‌گیری میر مهنا را بر نمی‌تابیدند و خیره‌سری‌های وی را تحمل نمی‌کردند. هرچند هیچ‌گونه تصادم قدرتی بین میر مهنا، فرانسویان یا دیگر قدرت‌های اروپایی وجود نداشته است. در هر صورت یکی از مهم‌ترین عوامل افول قدرت میر مهنا، سیاست‌های اختلاف‌برانگیز خارجی‌ان بین میر مهنا و کریم‌خان زند بوده است و سرانجام با دسیسه‌های همین گروه بود که وکیل اقدام به سرکوبی وی کرده است.

4- یکی دیگر از علل افول قدرت میر مهنا را می‌توان تلاش دولت عثمانی و به‌طور مشخص پاشای بغداد و نیز حاکم بصره در نظر گرفت. با توجه به رقابتی که بین

بندر بصره و بنادر ایرانی وجود داشته است، حاکم بصره از قدرت گیری ایرانیان و بخصوص قدرت اقتصادی و تجاری و بالعکس مختل شدن تجارت و دریانوردی در نواحی مربوط به بصره ناراضی بوده است. به همین دلیل بود که چون سرنوشت میر مهنا با بندر بصره گره خورد و از بد روزگار در راه فرار ناخواسته به بصره رسید، حاکم بصره بدون معطلی وی را دستگیر و بدون توجه به پناهندگی وی، بعد از به قتل رساندن او سرش را برای پاشای بغداد هدیه فرستاد. ضمن آنکه حاکم بصره با این اقدام احتمال حمله و کیل به بصره را افزایش داد و بهانه لازم را برای یورش به بصره فراهم کرد.

5- از عوامل دیگر نقش قبایل و گروه‌های مختلف ساکن در سواحل خلیج فارس بود که میر مهنا را مانعی بر سر راه خود می‌دیدند. به همین خاطر بود که چون زکی خان در راه ورود به بندر ریگ از آن‌ها تقاضای کمک کرد، به درخواست وی پاسخ مثبت دادند و برای سرکوبی وی راهی بندر ریگ شدند، هرچند میر مهنا توسط یکی از نزدیکانش از صحنه قدرت محو شد.

میر مهنا هلندی‌ها را برای همیشه از خلیج فارس بیرون راند و انگلیسی‌ها را نیز تا سر حد شکست پیش برد، اما با ایجاد شورش و راهزنی‌هایش نه تنها خارجیان بلکه وکیل و ایرانیان را به دشمنان خود تبدیل کرد. باین حال میر مهنا با همه اقدامات شروانه‌اش فرزند وطن بود و حتی اگر ذره‌ای واقع‌بینانه به قضیه توجه کنیم از اجنبی‌ها به ایران و ایرانی نزدیک‌تر بوده است.

### نتیجه‌گیری:

کریم‌خان زند برای رسیدن به قدرت تلاش بی‌وقفه‌ای را همزمان با حضور هلندی‌ها در خارک انجام می‌داد و در راه قدرت گیری و پس از آن، دست‌به‌گریبان مسائل مختلفی در خلیج فارس شد. در مورد روابط اقتصادی بین کریم‌خان زند و کمپانی هند شرقی هلند (واک) می‌توان گفت که این روابط آن‌چنان‌که باید و شاید مثمر ثمر نبود و نتیجه قابل توجه و تعیین‌کننده‌ای برای هر دو طرف نداشت. در مورد شورش میر مهنا هلندی‌ها از کمک به وکیل برای سرکوبی وی طفره رفتند و دست بر قضا همین میر مهنا بود که باعث افول قدرتش در خلیج فارس شد. در عدم موفقیت مناسبات اقتصادی

و سیاسی وکیل با کمپانی هند شرقی هلند عوامل مختلفی مثل عدم اعتماد و اطمینان کامل در روابط دو طرف و نبود سیاستی قابل اعتماد؛ نقش بی‌بدیل انگلیسی‌ها در دور کردن طرفین از همدیگر در ایجاد یک اقتصاد و سیاست کاران و موفق برای رسیدن به خواسته‌های یکدیگر؛ دخالت حاکمان محلی بخصوص خاندان‌های آل زعاب و آل مذکور نقش داشتند. هلندی‌ها که برخلاف انگلیسی‌ها سیاست نبودند خیلی زود در مقابل رقیب دیرینه و قدرتمند خود شکست خوردند و کاری را که مانند انگلیسی‌ها مرد آن نبودند رها کردند. هلندی‌ها که دنبال اقتصاد مرکانتلیسمی (سوداگری) بودند، رفته‌رفته با تغییر رویه بنای ظلم و ستم را در خلیج فارس گذاشتند و همین عامل کافی بود تا ایرانی‌ها دیدگاه خود را نسبت به آن‌ها تغییر دهند و انگلیسی‌های همیشه سیاست از این فرصت استفاده کرده و بر این خصومت دوره‌ای دامن زدند تا از این طریق رقیب سرسخت و ناملازم خود را از شرق و خلیج فارس بیرون کنند. هلندی‌ها کم‌کم با بدرفتاری‌ها و یا حملات مستقیم به بنادر و سواحل از جمله، حمله به قشم پایگاه و جایگاه تجاری خود را از دست دادند. آن‌ها سرانجام در درگیری‌هایی که با میر مهنای بر سر خراج سال‌های حضورشان در جزیره خارک داشتند شکست خوردند و در نخستین روز از سال 1766 م بعد از فعالیت تجاری 140 ساله در خلیج فارس برای همیشه از این آبراه مهم اخراج شدند.

منابع

- اسد پور، حمید (1387). تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه، چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- اسدی، بیژن (1384). خارجیان در خلیج فارس، چاپ اول، تهران: انتشارات باز.
- القاسمی، سلطان بن محمد (1387). بازرگانی و جنگ قدرت‌ها در خلیج فارس، ترجمه فرامرز فرامرزی و محمدباقر وثوقی، تهران: نشر همسایه.
- الامیر الثائر، بی‌جا، بی‌تا.
- پری، جان (1368). کریم‌خان زند، چاپ دوم، تهران: نشر نو.
- (1377). میر مهنا و شهر دریاها، گردآوری و ترجمه حسن زنگنه، چاپ اول، قم: موسسه فرهنگی همسایه.
- جناب، محمدعلی (1356). خلیج فارس نفوذ بیگانگان و رویدادهای سیاسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- دانا فرد، حیدر (1388). نقش بوشهر در تحولات خلیج فارس در عصر زندیه (پایان‌نامه دوران کارشناسی ارشد).
- دلد، اسکندر (1363). سلطه جویان و استعمار گران در خلیج فارس، چاپ اول، تهران: نشر نوین.
- رجایی، غلامعلی (1377). ایران و کریم‌خان، تهران: موسسه فرهنگی هنری ضریح.
- رجبی، پرویز (1376). کریم‌خان زند و زمان او، چاپ دوم، تهران: نشر کتاب‌های سیم‌رغ.
- رستم الحکما، محمدهاشم (1352). رستم التواریخ، تصحیح محمد مشیری، تهران: امیرکبیر.
- روشن‌ضمیر، مهدی (1350). «پژوهشی نو درباره روابط ایران با بیگانگان در سده دوازدهم هجری»، مجله بررسی‌های تاریخ، شماره 3، سال هفتم، تهران.
- شعبانی، رضا (1377). تاریخ تحولات سیاسی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه، چاپ اول، تهران: سمت.
- شمیم، علی‌اصغر (1375). از نادر تا کودتای رضاخان میرپنج، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مدبر.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن (1362). گلشن مراد، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ اول، تهران: انتشارات زرین.
- فرامرزی، احمد (1347). جزیره خارک، به کوشش حسن فرامرزی، تهران: چاپخانه داور پناه.
- فسایی، میرزا حسن حسینی (1367). فارس نامه ناصری، به تصحیح منصور رستگار فسایی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

- فقیه، خورشید (1383). زوال دولت هلند در خلیج فارس با ظهور میر مهنای بندر ریگی، بوشهر: انتشارات شروع.
- فلور، ویلم (1371). هلندیان در جزیره خارک، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.
- مالکوم، سرجان (1362). تاریخ ایران، ترجمه مرتضی حیرت، به کوشش مرتضی سیفی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات یساولی.
- موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمداصداق (1368). تاریخ گیتی گشا با دو ذیل آن، با مقدمه سعید نفیسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اقبال.
- نشأت، صادق (1344). تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران: نشر نسبی کانون کتاب.
- نوائی، عبدالحسین (1384). کریم خان زند، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نوائی، عبدالحسین (1377). تاریخ روابط سیاسی و اقتصادی ایران در عصر صفویه، چاپ اول، تهران: سمت.
- نیبور، کاریستن (1354). سفرنامه نیبور، ترجمه پرویز رجبی، چاپ اول، تهران: نشر توکا.
- وادالا، ر (1356). خلیج فارس در عصر استعمار، ترجمه جواد شفیعی، چاپ اول، تهران: نشر سحاب.
- وثوقی، محمدباقر (1384). خلیج فارس و ممالک هم‌جوار، چاپ اول، تهران: سمت.
- ویلسن، آرنولد (1366). خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هدایتی، هادی (1334). تاریخ زندیه، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (1387). تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، چاپ سیزدهم، تهران: امیرکبیر.
- یاحسینی، سید قاسم (1373). میر مهنای بندر ریگی، چاپ اول، تهران: نشر پرورش.
- \_\_\_\_\_ (1381). گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ترجمه معصومه ارباب، چاپ اول، تهران: نشر نی.